

## مؤلفه‌های تحقق صلح پایدار در افغانستان از نگاه شهید مزاری



بنیاد اندیشه  
قربانعلی هادی  
تأسیس ۱۳۹۴

### چکیده

مردم افغانستان سال‌های طولانی، از جنگ‌ها، منازعات خونین و ناامنی‌ها رنج برده‌اند. این تحقیق به هدف بیان مؤلفه‌های تحقق صلح پایدار در کشور از منظر شهید مزاری، به گونه‌ی توصیفی تحلیلی انجام شد. در تفکر شهید مزاری جنگ و نزاع راه حل بحران افغانستان و راه رسیدن به صلح نیست. از نگاه وی مؤلفه‌های چون توحیدمحوری، عدالت‌طلبی، حق‌خواهی، نفی تبعیض و هم‌پذیری می‌توانند صلح پایدار را در کشور به ارمغان بیاورند. انسانی‌نگری و هم‌پذیری از سوی مردم، سیاست‌های متوازن دولت در تمام امور و قطع مداخلات خارجی، آرامش و صلح پایدار را در این کشور بحرانی، بوجود خواهند آورد.

## مقدمه

صلح و آرامش، همیشه در افغانستان، با جنگ‌های ویرانگر، بین احزاب، برخی اقوام همراه مداخلات خارجی، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. مصلحان زیادی از جمله شهید علامه بلخی و شهید وحدت ملی عبدالعلی مزاری، علیه چنان تفکر و تبعیض تاریخی، اقدامات اصلاح‌گرایانه و صلح‌آمیز را برای تأمین امنیت و صلح با عزت انجام داده‌اند. جنگ‌های اول، دوم جهانی و ناامنی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و رای‌اندیشه تبعیض و نگاه و برتری طلبی قرار داشته (قه‌ری، ۱۳۸۳: ۷۹۶۹) که صلح جهانی را نابود کردند. در افغانستان سالها جنگ، تخریب، کشتار و تبعیض، باعث نابودی صلح و ناامنی بوده‌اند. در این کشور، برخی اقوام، از مزایای شهروندی برخوردار نبوده، بلکه در بعضی از دوره‌ها نگاه تبعیض‌آمیز به برخی از اقوام و احزاب انحصارطلب و همین‌طور طالبان متعصب، دست به جنایت، قتل عام، غارت اموال و حذف اقوام و ملیت‌های دیگر زده‌اند. شهید مزاری با درک اوضاع ناامن کشور، گفتمان همدلی، برابری و برادری و صلح پایدار را جهت برچیدن ناامنی، تبعیض و حاکمیت دولت اسلامی مطرح کرد. در این راستا می‌توان پرسش‌های ذیل را مطرح کرد. شهید مزاری چه اصولی را برای تحقق صلح پایدار مهم می‌دانند؟ عوامل و مؤلفه‌های موجب صلح پایدار از نگاه ایشان کدام‌اند؟ شهید مزاری برای زندگی مسالمت‌آمیز اقوام در افغانستان چه پیشنهادها داشت؟ درون‌مایه و ارزش‌های نهفته در گفتمان صلح‌جویانه شهید مزاری چه بوده‌اند؟ در این پژوهش تلاش می‌شود که با مراجعه به منابع تاریخی و دینی با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و مبانی فکری شهید مزاری، به سؤالات فوق پاسخ‌های معقول و منطقی ارائه شود. قبل از تبیین مؤلفه‌ها، صلح پایدار، واژگان اصلی این تحقیق را مورد شناسایی قرار می‌دهیم.

## مفهوم صلح پایدار

صلح در لغت به معنای آشتی، مسالمت و سازش و سازگاری است، واژگان صلاح و صالح به مفهوم رفتار مطابق عدل، انصاف، شایسته و به دور از هرگونه فساد به کار رفته‌اند (دهخدا،

۱۳۷۷، ۵۴۵، ذیل واژه صلح). در واقع می‌توان گفت که صلح مفهوم عام است، هر نوع سازش و در هر زمان چون مقاطعه‌ی جنگ، صلح عادلانه و صلح پایدار را در برمی‌گیرد. صلح پایدار، به وضعیتی گفته می‌شود که امنیت، آرامش و صلح برای همیشه در یک منطقه برقرار شده باشد. به تعبیر دیگر، به موقعیتی که دولت‌ها یا مردم یک منطقه حقوق امتیازات همدیگر را با درک متقابل و براساس عقل و منطق دوام‌دار مراعات کرده و زندگی مسالمت‌آمیز را برگزینند، صلح پایدار اطلاق می‌شوند.

کانت صلح را در مقابل جنگ و ناامنی ارزش و فضیلت می‌داند (کانت، ۱۹۸۳: ۲۴). اسپینوزا معتقد است، صلح تنها به معنی نبود جنگ نیست، بلکه به خودی خود، نوعی فضیلت است که از نیروی جان و روح آدمی مایه می‌گیرد. مفهوم صلح پایدار بیشتر در اروپا با انتشار رساله صلح پایدار امانوئل کانت در اواخر قرن هجدهم، شناخته شد. کانت معتقد است که انسان، براساس «عقل عملی» و اخلاق نهفته در ذات خود می‌تواند به ناامنی‌ها، نزاع‌ها و درگیری‌ها پایان دهد. از نگاه کانت، از یک طرف طبیعت انسان و از سوی دیگر تکثر گسترده اندیشه‌ها و تفکرات، باعث نزاع دائمی میان انسان‌ها می‌شوند. هرچقدر عقل عملی گسترده‌تر شود این جدال کمتر می‌شود (همان). سه نوع صلح را می‌توان ترسیم نمود، صلح به مفهوم سازش و مدارا، صلح مقاطعه و ترک جنگ و صلح پایدار با هم‌پذیری و همدلی که این فضیلت و ارزش است و از نهاد و ذات آدمی رهبری می‌شود. امانوئل کانت، برای تحقق صلح پایدار در بین ملت‌ها و اقوام، در سطح ملی و بین‌المللی، بر وجود شرایط مهم سه ماده‌ای تأکید می‌کند:

اول؛ قانون اساسی هرملتی باید جمهوری باشد؛ یعنی نظام آن کشور بر جمهوریت و ملت استوار باشد، بدین معنا که قانون اساسی باید مبتنی بر اراده و حقوق اساسی آن ملت تنظیم شود (همان). مثلاً اگر قانون اساسی اعطایی از سوی رئیس حکومت یا دیکتاتوری باشد، نمی‌تواند عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری را در کشور تضمین کند، بدین سان ناامنی و نابودی صلح پایدار ثمره‌ای چنین قانونی

خواهند بود که در افغانستان بارها تکرار شده است. کانت معتقد است که با نظام جمهوریت و مردم‌نهادی می‌توان به عدالت و صلح پایدار دست یافت.

**دوم؛** حق ملت‌ها باید مبتنی بر فدراسیونی از دولت‌های جمهوریت و دولت مستقل باشد تا آن‌ها بتوانند برای تضمین امنیت خود در سطح ملی و جهانی، تصمیم بگیرد. لذا اگر دولت‌ها جمهوری یا مستقل نباشند، استبداد دولتی و دخالت‌های خارجی نمی‌گذارند که در کشوری صلح پایدار تحقق یابد.

**سوم؛** حق جهان‌وطنی یا مهمان‌شهری افراد، یعنی هر فردی با مسافرت داخلی و بین‌المللی، می‌تواند بگوید که ما «حق مهمان‌نوازی» یا حداقل به عنوان مسافری در شهر شما «حق پناهگاه» دارم. بدین جهت باید رفتار و برخورد با ما صلح‌آمیز و با آرامش باشد (Kant; Perpetual peace, ۱۹۹۱, ۱۰۵). کانت در راستای ایجاد صلح پایدار، توجه به اصول ذیل را مهم می‌داند. الف برای صیانت از صلح واقعی در پیمان صلحی، زمینه جنگ در آینده پذیرفته نشود. ب هیچ کشوری به هر دلیلی حق ندارد کشور دیگر را تحت مالکیت بگیرد یا با اعمال زور بر کشوری دخالت کند. ج هنگام جنگ، کسی حق ندارد، اقداماتی را انجام دهد که صلح را دشوار و ناممکن سازد (Ibid, ۹۳).

صلح پایدار در افغانستان بر اساس اندیشه‌های شهید ۱۳۹۴

مزاری، بر اصول و مؤلفه‌هایی استوار است که یکی از آن‌ها با جمهوریت از شرایط صلح پایدار در تفکر کانت همخوانی دارد. اصول و مؤلفه‌های چون توحید، کرامت انسانی، حکومت اسلامی مردمی، نفی تبعیض و... جان‌مایه‌های صلح پایدار در نگاه شهید مزاری را شکل داده، مشروعیت و مقبولیت گفتمان صلح‌جویانه‌ای او را رقم زده‌اند. بدین سان، دولت افغانستان به شهید مزاری لقب شهید وحدت ملی داد. در ادامه برخی از اصول و مؤلفه‌ها در اندیشه شهید مزاری را که موجب تحقق صلح پایدار در کشور می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱. اصل توحیدمحوری و حفظ کرامت انسان

شهید مزاری تأکید می‌کند که در اسلام نه هزاره مطرح است، نه افغان [پشتون]، نه ازبک، نه تاجیک، آن چیزی که مهم است توحید و یکتانگری همراه با پرهیزگاری است (منشور برادری، ۱۳۷۹: ۱۲). پیام سخن ایشان این است که ارزش هر قوم و انسانی در خداواری و پرهیزگاری او است، قوم و نژاد به خودی خود ارزش نیست. شهید مزاری باورمند است که صلح پایدار و آرامش در افغانستان با تأکید بر توحیدمداری و دین‌محوری میسر می‌شود. او معتقد است که حکومت، قانون، مشارکت سیاسی و... همه باید با اصول توحیدی یعنی خداواری و دین‌گرایی تنظیم و ایجاد شوند: ما خواستار حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همه مردم کشور به تناسب نفوس و میزان حضورشان در حیات سیاسی، اجتماعی کشور تأمین شود (لعلی، ۱۳۸۳: ۶۸).

در نگاه شهید مزاری، کرامت انسانی «ولقد کرمانا بنی آدم» (اسراء/۷۰)؛ و ارزش‌های که خداوند به او عطا فرموده، برای همه انسان‌ها به طور یکسان است، در این مورد تبعیضی وجود ندارد. از سوی دیگر هیچ‌کسی حق ندارد این حرمت و کرامت انسان را با تبعیض، تحقیر، قتل و آوارگی و... نادیده بگیرد. ایشان، با توجه به ارزش‌ها و کرامت دائمی و خدادادی انسان، درباره شهروندان افغانستان می‌فرماید، اگر آزادی و حقوق انسان‌ها ارزش دارد، باید همه از این ارزش‌ها برخوردار باشند. همین هزاره، همین بلوچ، همین افغان در پاکستان، در زیر سایه نظام سیاسی فدرالی زندگی می‌کنند، در افغانستان چرا نتوانند زندگی کنند (لعلی، ۱۳۸۳: ۴۲). مفهوم سخن ایشان گویای این حقیقت است که در بسیاری از کشورها، همه با همدیگر برادروار و در سایه قانون به آرامش و امنیت زندگی می‌کنند، اگر مردم ما در افغانستان، بر مبنای ارزشمندی حقوق و کرامت انسانی، قانونی را وضع و حکومتی را ایجاد کنند، می‌توانند در صلح، رفاه و آسایش زندگی کنند.

شهید مزاری با اعتقاد بر کرامت الهی انسان، به آیه ۱۳ سوره حجرات استناد می‌کند که خداوند همه را بدون در نظر گرفتن گرایش‌های فکری آنان به طور یکسان مورد خطاب قرار

داده و احترام داشته است. نکته‌ای استدلال شهید مزاری به این آیه اینجاست که مطابق دین اسلام، تنوع اقوام جرم نیست و محکومیتی ندارد، بلکه محکومیت و قباحیت در قوم‌گرایی و نگاه تبعیض‌آمیز است که افراد کرامت و حرمت حقوق دیگران را بشکنند، جنگ ناامنی و نزاع به وجود آورده و صلح و آرامش را از دیگران بگیرند. اگر در کشور همه با حفظ حقوق یکدیگر و بر مبنای کرامت انسانی هم‌پذیری داشته باشند، صلح پایدار در جامعه استقرار می‌یابد.

## ۲. اصل عدالت خواهی و حق طلبی

می‌توان گفت که عدالت خواهی، نفی تبعیض، عدالت اجتماعی و حق خواهی قومیت‌های محروم، مفاهیم ارزشمندی‌اند که برای نخستین بار در تاریخ افغانستان با گفتمان شهید مزاری وارد ادبیات سیاسی اجتماعی افغانستان شدند. ایشان معتقد است که درخواست حق، اجرای عدالت و جامعه‌عاری از تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی در کشور، به معنی جدایی ملتی از ملت دیگر، باعث تجزیه یک منطقه سیاسی کشور نیست (خبرنامه وحدت، ۱۳۷۱: ش ۷۳). او معتقد است که اصل تفاهم، درک و پذیرش یکدیگر، حفظ حقوق ملت، عدالت اجتماعی و نفی انحصار طلبی از جنگ و ناامنی جلوگیری کرده، صلح پایدار را به همه هدیه خواهند داد. در تفکر مزاری؛ تفاهم و برادری اقوام، یعنی احقاق حقوق مساوی همه اتباع کشور؛ تحمل و هم‌پذیری قومی، مذهبی، حزبی و سیاسی، تنها راه حل نزاع‌ها و ناامنی‌ها است (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۴۷-۱۴۸). مزاری؛ زندگی برادرانه و مسالمت‌آمیز را موجب دسترسی تمام اقوام به حقوق خود و باعث تحقق صلح همیشگی می‌داند. ایشان می‌گوید که ما هیچ نژادی را نفی نمی‌کنیم، ترکمن، هزاره، تاجیک، افغان، ایماق و دیگر اقوام، در این مملکت برادروار زندگی کنند و هرکسی به حقوقشان برسند و درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرد (همان، ۳۳)

## ۳. حکومت اسلامی مردمی

یکی از اهداف شهید مزاری، تحقق حکومت اسلامی،

مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی بوده است (ضیایی، ۱۳۸۸: ۳۶). حکومتی که در آن اسلامیت، جمهوریت (مردمی فراگیر). دارای اهمیت است، زیرا که با این سیستم، جنگ و نزاع از بین می‌رود و صلح پایدار تضمین می‌شود. این سخن از لحاظ محتوایی با مفهوم جمهوریت در تفکر کانت همخوانی دارد. کانت، یکی از شرایط تحقق صلح پایدار را جمهوریت و حکومت مبتنی بر قانون اساسی ملی و فراگیری دانست. شهید مزاری بر حکومت اسلامی مردمی و فراگیر تأکید می‌کند، این همان جمهوری اسلامی است که در افغانستان تحقق یافته است. بر مبنای نظریه کانت و توجه جدی شهید مزاری بر چنان حکومتی، می‌توان گفت که امروزه تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی در افغانستان و نیز رفتار دولت مبتنی بر عدالت اجتماعی؛ صلح پایدار را در کشور به ارمغان خواهند آورد.

اما در مقابل جمهوریت، امارت و حکومت انحصاری طالبان قرار دارد. آنان با حامیان خارجی خود با تحمیل کشتار، ویرانی و تخریب در پی استقرار چنان حکومت امارتی غیر مردمی هستند. در رویکرد امارتی که امیر محور است؛ خواسته‌ها، حقوق و ارزش‌های خاص مردم، اقوام و احزاب نادیده گرفته می‌شوند. در این صورت ناامنی، تبعیض، تحقیر و کشتار همچنان ادامه یافته و صلح پایدار محقق نخواهد شد. شهید مزاری برای تحقق صلح پایدار، اعلام می‌کند که ما اهل افغانستان، هیچ نژادی را نفی نمی‌کنیم؛ ترکمن، هزاره، تاجیک، افغان... بیابند در این مملکت برادروار زندگی کنند، اگر کسی بیاید دیگران را نفی و نژاد خود را حاکم بسازد، این نگاه فاشیستی و خلاف رسوم بین‌المللی است (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۳۳). از نگاه مزاری معضل عمده مردم افغانستان، گرایشات قومی و سیاست حذف دیگران با قتل و کشتار بوده‌اند. ایشان باور دارد که اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، اگر کسی در اینجا ظلم نکند، حق دیگری را ضایع نکند، دیگر مشکل جنگ و ناامنی وجود نخواهند داشت. تمام درگیری‌ها بر سر همین مسئله امتیاز طلبی و حذف همدیگر است. این امتیاز طلبی خود را در چهره مذهب، نژاد

و... خود را نشان می‌دهد. (احیای هویت، ۱۳۷۴: ۱۶۷؛ سخنرانی رهبر شهید، ۱۳۷۳/۱۰/۵).

#### ۴. وحدت ملی و نفی هرگونه تبعیض

یکی از اصول تحقق صلح پایدار، وحدت ملی در افغانستان است. شهید مزاری با طرح وحدت ملی، تفکر فرا قومی و فرا جناحی را پیگیری کرد. او در راستای تأمین صلح پایدار و دفاع از منافع ملی، معتقد است که وحدت ملی در افغانستان یک اصل است (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۱۴۶)، یعنی این یک اصل ملی و اجتماعی پذیرفته شده‌ای همه اتباع کشور است، کسی حق خدشه دار کردن و عبور از وحدت ملی را ندارد. از آرمان‌ها و اهداف او این بود که کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان، بتوانند در کنار هم برادروار و برابر زندگی کنند» (لعلی، ۱۳۸۳: ۵۵). می‌توان گفت که طبق تفکر شهید مزاری، تحقق وحدت ملی موجب شکل‌گیری صلح پایدار در کشور در صورتی می‌شود که همه با همدلی و برادرانه به زندگی مسالمت آمیز ادامه داده و برای آبادی کشور تلاش کنند.

شهید مزاری، در جهت نفی تبعیض و گرایش‌های قومی و مذهبی در افغانستان، معتقد است که آزادی عقیده، مذهب، حق حیات و برابری، امنیت و صلح را در کشور به وجود می‌آورد؛ اما دشمنی، استبداد، انحصار طلبی برای ۱۳۹۴ کشور فاجعه‌ای بزرگی است، باید ملیت‌ها و اقوام در کنار همدیگر برادرانه زندگی کنند (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۸۷). شهید مزاری، بر این باور است که زور و استبداد، حذف اقوام و احزاب نمی‌تواند معضل ناامنی و جنگ‌های خانمان سوز را در کشور حل کنند، با زورگویی نمی‌توان واقعیت‌های جامعه را انکار کرد و این مورد ملامت ماست (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۷۷)؛ بنابراین رفع تبعیض و زندگی برادرانه در کشور، موجب تحقق صلح پایدار می‌شود.

#### ۵. نفی دخالت خارجی‌ها و دفاع از منافع ملی

از نگاه شهید مزاری، کسانی که تضاد، نفاق و ایجاد دشمنی کرده و حرکتی خلاف امنیت ملی انجام دهند، خائن ملی

است (ضیایی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). ایشان، دخالت خارجی‌ها و جاه طلبی رهبران جهادی را، ریشه‌های درگیری بین گروه‌ها ذکر می‌کند، او ضمن قدردانی از همکاری دولت‌های دوست و برادر در چهارده سال مبارزه، درخواست می‌کند که بگذارد ما خود سرنوشت خود را تعیین کنیم. وی معتقد است که اگر دخالت خارجی‌ها قطع شود و رهبران جهادی از انحصار بیرون آمده بپذیرند که این پیروزی مال همه مردم افغانستان است، هیچ وقتی ناامنی و جنگ در کشور پانمی‌گیرند. مزاری در دفاع از منافع ملی کشور، از نقش مخرب عربستان سعودی در ایجاد اختلافات فرقه‌ای در افغانستان یاد می‌کند (مزاری: رادیو فرانسه، ۱۳۷۱/۱/۵). در جنگ‌های داخلی و تفرقه افکنی اعراب و پاکستانی‌ها دخالت می‌کنند، در کابل عرب‌ها و پاکستانی‌ها همراه دیگر متجاوزین به مردم بی‌دفاع حمله کردند، چند عرب را اسیر کردیم و در میدان شهر نیز خارجی‌ها مداخله کرده‌اند (واعظی، ۱۳۷۸: ۵۴). عده‌ای از دشمنان خارجی مردم افغانستان همواره در این فکر بوده‌اند که با حاد نمودن مسائل، نژادی، زبانی، مذهبی و... نگذارند که اقوام ساکن در این کشور به وحدت ملی و صلح پایدار دست یابند. امروزه می‌توان نمونه دخالت‌های خارجی‌ها در نابودی صلح کشور را از طریق القاعده، طالبان، داعش و... به خوبی مشاهده کرد.

#### جمع بندی

سال‌ها جنایات، استبداد و بی‌عدالتی، توهین، تحقیر و خونریزی در کشور اسلامی افغانستان، شهید مزاری را وادار کرده بود که راه‌حلی برای توقف آن جنایات، در قالب وحدت ملی، عدالت اجتماعی و صلح دائمی مطرح کند. از منظر شهید مزاری، اصول و مؤلفه‌های الهی انسانی چون توحید، اصل عدالت، حق طلبی، اصل کرامت انسانی، نفی تبعیض، عدالت اجتماعی، می‌توانند سفیر صلح پایدار در افغانستان باشند. گفتمان صلح جوینان شهید مزاری، بدان جهت که از اصول و مؤلفه‌های الهی و انسانی شکل گرفته است، می‌تواند مردم و توده‌ها را برای تحقق صلح پایدار به صحنه بکشاند. همین درون مایه ارزشی این گفتمان است که به او در نزد

۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. سخنرانی‌ها، پیام‌ها و دیدارهای شهید مزاری، منشور برادری (۱۳۷۹)، قم: بنیاد شهید مزاری.
۶. ضیایی، رضا (۱۳۸۸)، چراغ راه (سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های شهید مزاری). اروپا: بنیاد رهبر شهید بابیه مزاری.
۷. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۸۳)، فریاد عدالت، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی شهید محمد سجادی.
۸. کانت، امانوئل، (۱۹۸۳). طرح فلسفی به‌روز صلح ابدی، ترجمه: باقریرهام، انتشارات دانشگاه کمبریج.
۹. مزاری، عبدالعلی، مصاحبه با خبرگزاری رادیو فرانسه، پنج‌شنبه ۱۳۷۱/۱/۵.
۱۰. میرشکاری، جواد، (۱۳۷۵). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۱. واعظی، حمزه (۱۳۷۸)، زنده‌تر از تو کسی نیست، قم: کمیسیون فرهنگی هفته‌نامه وحدت.
۱۲. هفته‌نامه وحدت، ش ۱۶۷، ۱/۶/۱۳۷۵.

۱۳. Kant Immanuel (۱۹۹۱), Perpetual Peace and Other Essays on Politics, History, and Morals. Cambridge University press.

همگان، مقبولیت و مشروعیت بخشیده است. بدین‌سان شاه‌بیت گفتمان‌ها در مراکز و محافل علمی، نهادهای دولتی و مدنی شده است. شهید مزاری، برای ایجاد صلح پایدار و آرامش کشور سال‌ها مبارزه کرد، مظلومانه به دست جاهلان مدرن و طالبان انحصارگرا به شهادت رسید. مردم و مسئولان با درک دلسوزی شهید مزاری به کشور، خصوصاً رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی به اولقب رسمی «شهید وحدت ملی» دادند. بر بنیان اندیشه‌های شهید مزاری، می‌توان گفت که انسانی‌نگری و هم‌پندیری اقوام و احزاب، اجرای عدالت اجتماعی و توسعه متوازن سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از سوی دولت و در نهایت قطع مداخلات خارجی، ناامنی و جنگ را از کشور دور و صلح پایدار را به مردم رنج‌دیده هدیه خواهند نمود.

#### منابع

۱. احیای هویت (۱۳۷۴)، سخنرانی‌های رهبر شهید، قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.
۲. اولیوروا (۱۳۶۹)، افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه سرومقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس.
۳. خبرنامه وحدت، چاپ کابل، شماره ۷۳، (۱۳۷۱/۹/۲۶).